

• موضوع: کاربرد های فقه نظام و روش شناسی استنباط آن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد واهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم

خدای بزرگ را شاکرم که توفیقی داده تا در این جمع مستطاب باشم .

بنده در این باره مقاله ای دارم : فقه با انگاره قبول الزامات شرعی و لزوم استنباط آن ها و انگاره انکار

اشتباه نکنم مجله قبسات پژوهشگاه این ها را جمع کرده است .

ممکن است برخی از مباحث تکراری باشد برای کسانی که مطالعه ای از این مقاله داشته اند.

• فقه نظام و تجزیه و تحلیل آن از جهات 4 گانه

ما در این اصطلاح «فقه نظام» وقتی تامل می کنیم حداقل چهار کاربرد است می بینیم که گاهی توجه نمی شود و اینها جای همدیگر به کار می رود.

رویکرد اول:

گاه گفته می شود فقه نظام در واقع به نحو اضافه است یعنی فقه گفتگو کننده از نظام در واقع این نظام متعلق به فقه است مثلا چگونه می گوئیم فقه نکاح؟ یا فقه ... این جا می گوئیم فقه نظام ؛ مثلا نظام را حکومت و حاکمیت فرض می کنیم... می خواهیم مسائل حکومت را استنباط کنیم : یکی فقه صلاة را شروع می کند و دیگری فقه سیاسی و سومی شروع می کند فقه نظام را .

گاهی در حوزه ها فقه الحکومه هم گفته شده است. در این جا، اضافه است فقه نظام و نظام هم میشود متعلق به .

این کاری به رویکرد و مواجهه ندارد ممکن است کسی با همان رویکرد فقه صلات بیاید و از فقه نظام حرف بزند. کما این که داریم چنین افرادی را ... اما گاه فقه نظام گفته می شود که در واقع یک رویکرد است؛ یعنی فقهی که نظام وار است و نظام گونه است و فقیهش در واقع سیستماتیک فکر می کند و کل شریعت را رد یک سیستم می بیند یا در کنار هم یا در طول هم .

رویکرد دوم:

در واقع صفت و موصوف است یعنی فقهی که نظام گونه است حتی اگر طهارت را استنباط کند. حتی اگر نظام تقلید را استنباط کند . در واقع چرا می گوئیم فقه نظام؟ چون باعث در این کار چه در فرایند یعنی مسیر و چه در برآیند یعنی نتیجه، سیستماتیک فکر می کند و یک رویکرد است و کاری به متعلق به ندارد.

در کتاب الطهاره یا در کتاب الصلاة هم نگاه فقیه نگاه سیاسی و نگاه نظام وار است و این کاربریست دوم است .

میدانید خیلی تفاوت با کاربریست اول دارد. در کاربریست اول ،محور متعلق به است و در کاربریست دوم محور رویکرد است.

رویکرد سوم:

حالت سوم که خیلی وقتها به کار می رود و امروز هم به کار می رود. فقه نظام یعنی فقهی که نه از نظام بحث می کند و نظام را کشف می کند بلکه فقهی است که نظام دارد یعنی در بحثهایش فقط احکام نیست؛ نهاد هست؛ زیرساختها هست . امتداد اجرایی و خارجی دارد ، پیشنهاد نهاد می دهد .

اگر دقت کنید گاهی برخی ها تعبیر می کنند به فقه نظام ساز و معتقدند اصولا فقه در ساحت اجتماع باید فقه نظام ساز باشد.

این ها رویکرد برایشان اصالت ندارد متعلق به هم این طور نیست که حکومت باشد ؛ بلکه یک مجموعه ای را در نظر می گیرند و معتقدند که فقه باید این ها را همه با هم انجام دهد . و می گویند اگر فقه بحث از اقتصاد می کند باید نهاد اقتصادی پیشنهاد بدهد. ما نباید منتظر باشیم مثلا غرب بانک ، سفته و چک را پیشنهاد بدهد و ما احکامش را بگوییم . باید از درون فقه با نگاه فقیهانه این ها بررسی شود . در واقع فقه نظام ساز ؛ فقهی که مدعی ساخت یک نظام است با همه لوازمی که یک نظام دارد . و امتداد اجرایی دارد.

رویکرد چهارم:

فقه مستنبط نظام و سیستم؛ یعنی فقهی که مستنبط نظام و سیستم است؛ مثلا کسی کتاب القضا را شروع میکند؛ یک دفعه کسی می آید فقه القضا را به صورت مساله مساله شروع می کند و جلو می رود . شما کتاب فقه القضا را ببینید ، که ده ها کتاب القضا را داریم به این شکل است بزرگانی آمدند و کتاب فقه القضا را بیان کردند و مسائل آن را استخراج کردند . اما یک دفعه کسی می آید و می گوید آیا ما در اسلام آیا سیستم قضایی خاصی داریم یا نه؟ مثلا در این دو سیستم معروفی که در دنیا هست؛ مخصوص اسلام هم نیست؛ سیستم حاکمیت دلائل معنوی که قاضی دلائل خودش برایش مهم است و تمام امارات قضایی طریقت دارد حتی اقرار که می گویند شاه دلیل است آن که مهم است اقناع وجدان است و مقابل آن سیستم حاکمیت امارات قانونی است ؛ ممکن است قاضی سر سوزنی از این اقرار ، اقناع نشده باشد، مثلا قاضی از بین اقناع پیدا نکرده ولی به هر حال امارات قانونی است و می تواند قضاوت کند؛ سوال این است آیا اسلام سیستم دارد یا نه ؟ اگر فقهی قائل باشد که غیر از احکام اتمیک و قواعد اتمیک در مجموعه سیستم قضایی اسلام ما یک نظام داریم ؛ آیا آن هست یا این است یا یک سیستم تلفیقی است؟ کدامیک؟

فقیه مثلا می آید در بخش اقتصاد؛ بحث معاملات می کند شما در مکاسب که مباحث اقتصادی دارد شیخ اعظم مساله محور مطالب را بیان میکند برخی فقها قواعد معاملات را بررسی می کنند ؛ حال اگر کسی دنبال کشف نظام باشد؛ بالاخره اسلام نظامش سوسیالیسم است یا کاپیتالیسم است یا هیچکدام ؟ که بعد بخواهد به طور اتمیک به قول آقای صدر ، مسائل را جابجا کند یا کم و زیاد کند.

به هر حال فقه نظام یعنی فقه مستنبط نظام... اسلام در اقتصادش این است در قضاوتش این گونه است مثلا بحثی که در جزا مطرح است این که آیا سیستم قضایی اسلام، جرم محور است؟ مجرم محور است؟ بزه دیده محور است؟ کدامیک؟ سه مکتب و سه سیستم است... روی هر کدام آثاری است... ما در این چهل و خرده ای سال حتی برخی نهادهای تصمیم ساز ما حتی مجمع تشخیص نگاه سیستمی به زعم ما نداشتند و مورد مورد جلو می روند.

کسانی هستند که معتقدند ما چیزی به اسم نظام نداریم. ما فقط همین احکام اتمیک را داریم. شما هر چه را که بخواهید دست بگذارید کتاب صلاة کتاب طهارت، کتاب معاملات، ما چیزی به اسم نظام نداریم. همین احکام اتمیک هست... برخی می گویند ما نظام داریم اما تحصیلی نیست و حصولی است. سفارش این ها به شاگردانشان این است که شما همین طور اتمیک مطالعه کنید، مکاسب را از اول بگیرید و تا آخر به طور اتوماتیک ما به یک سیستم و نظام میرسیم.

اندیشه دیگر این است که ما نظام داریم و باید هم استنباط کنیم؛ عنوان مقاله «لزوم استنباط آنها» می رود در این اندیشه سوم که باید استنباط شود این نظام. منتها برخی معتقدند ما یک بار باید برویم جلو و استنباط احکام کنیم و برگردیم و نظام را استنباط کنیم. کما این که آقای صدر چنین نظری داشت.

واگر نظر خودش یاری نکرد از دیگران کمک بگیرد.

مثلا من می رسم به محدودیت زکات در همان چند جنس.

ولی به این نتیجه می رسم که این نگاه جواب نمیدهد. مثلا صاحب جواهر به حرمت احتکار فتوا داده است؛ این ها را که می گویم یک مثال واقعی است. شما در این نظام از جواهر کمک بگیرید ولو خودت نتوانستی که به حرمت بررسی که ما در فقه و مصلحت مفصل بحث کرده ایم این یعنی چه

یک عرضی هم ما داریم و آن این که نظام هست؛ حصولی هم نیست و تحصیلی است منتها باید در همان استنباط اول آنقدر مؤلفه ها را ببینیم هم مطالعه اتمیک بکنیم هم مطالعه متعاضد و شبکه دلالی درست کنیم.. عقل... مقاصد... دلیل لبی... مخصوصا قرآن در این بحث نظام سازی خیلی حرف برای بیان دارد و بسیار ظرفیت سازی دارد. که از همان استنباط اول می شود این مطلب را به دست آورد. من عرض امروز دو مطلب اساسی را قابل نقد یا غیر قابل نقد عرض کردم یکی کاربری های نظام که گفتیم چهار کاربریست نظام داریم؛ والبته ما بیشتر روی همان کاربریست چهارم یعنی فقه مستنبط نظام تاکید داریم. الحمد لله رب العالمین